



بسمه تعالی



دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی پشتانی نشریات	
شماره ثبت	PIR
شماره در کتابخانه	772
شماره رکتور	۸۶/۲۵

دانشگاه پیام نور مرکز تبریز

دانشکده: علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایه نامه:

# بیان در تاریخ جهانگشای جوینی (جلد دوم)

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

دکتر میر نعمت اله موسوی

استاد مشاور:

دکتر علی قهرمانی

گرد آورنده:

زینب موسوی پور

اردیبهشت ۸۵

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۳

۱۵۵۱۱۹



دانشگاه پیام نور  
پی  
باستقلال

تاریخ .....  
شماره .....  
پوست .....

### تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: جلوه های بیان در تاریخ جهانگشای جوینی (جلد دو)

که توسط زینب موسی پور تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۵/۰۲/۲۰  
نمره: ۱۹۱- نوزدهم درجه ارزشیابی: عالی

### اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبۀ علمی	امضاء
۱- دکتر میرنعمت اله موسوی	استاد راهنما	استادیار	
۲- دکتر علی قهرمانی	استاد راهنمای همکار یا مشاور	استادیار	
۳- دکتر احمد گلی	استاد ممتحن	استادیار	
۴- دکتر میرنعمت اله موسوی	نماینده گروه آموزشی	استادیار	

( نمونه تصویب نامه پایان نامه )

## تقدیر و تشکر

حال که با یاری خدا پرده از روی این رساله گشوده شد و به منصفه ظهور رسید،

بر خود واجب می دانم از :

همه کسانی که در تهیه و اتمام این رساله مرا یاری کردند: به پاس یاریشان

استاد عالیقدرم جناب آقای دکتر میر نعمت اله موسوی: به پاس ارشادهای روشنگرانه ایشان

استاد ارجمندم جناب آقای دکتر علی قهرمانی: به پاس مشاوره دلسوزانه ایشان

استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر احمدگلی: به پاس تعلیمات ارزشمندشان

جناب آقای علیزاده: به پاس هم فکریشان

جناب آقای اصغری: به پاس سعه صدرشان

تمام دبیرانم: به پاس شور انگیزیشان

خواهران و برادرانم: به پاس محبت بی دریغشان

پدر و مادرم: به پاس رنجهایشان

همه دوستانم: به پاس دوستی ایشان

خدمات کامپیوتری نگاران: به پاس جدیتشان

یگانه نوکل باغ زندگیم (پردیس): به پاس محبت و صبرش

همسر عزیزم: به پاس شکیبائی و هم فکریشان

تشکر کنم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده .....
	فصل اول : مدخل
۳-۴	شرح حال عظاملك جوینی .....
۴-۵	تاریخ جهانگشا .....
۶	اهمیت موضوع .....
۶	بخش بندی تحقیق .....
۷	تعریف علم بیان .....
۸	ضرورت آشنایی با فن بیان .....
۹	پانوشت ها .....
	فصل دوم : مجاز
۱۱	مفهوم لغوی و اصطلاحی مجاز .....
۱۱	حقیقت .....
۱۱	مجاز .....
۱۲	تقسیم مجاز از نظر قدما .....
۱۲	حقیقت و مجاز شرعی .....
۱۲	حقیقت و مجاز عرفی .....
۱۲	مجاز عقلی یا اسناد مجازی .....
۱۲	قرینه و علاقه دو شرط لازم در مجاز .....
۱۳	قرینه .....
۱۳	علاقه .....
۱۳	اقسام مجاز به اعتبار علاقه .....
۱۳	۱- مجاز مرسل .....
۱۴	۲- مجاز بالاستعاره .....

۱۴	..... علاقه های مهم مجاز ( مرسل مفرد )
۱۴	..... ۱ - علاقه کلیت و جزئیت
۱۴	..... ۲ - علاقه حال و محل ( ظرف و مظروف )
۱۵	..... ۳ - علاقه لازم و ملزوم
۱۵	..... ۴ - علاقه سبب و مسبب ( علت و معلول )
۱۵	..... ۵ - علاقه عموم و خصوص
۱۶	..... ۶ - علاقه ماکان و مایکون
۱۶	..... ۷ - علاقه جنس
۱۶	..... ۸ - علاقه مضاف و مضاف الیه، صفت و موصوف
۱۷	..... ۹ - علاقه مجاورت
۱۷	..... ۱۰ - علاقه قوم و خویشی
۱۷	..... ۱۱ - علاقه تضاد
۱۷	..... ۱۲ - علاقه آلیت
۱۸	..... ۱۳ - علاقه بدلیت یا پیامد
۱۸	..... ۱۴ - علاقه اشتقاق
۱۸ - ۱۹	..... ۱۵ - علاقه غلبه
۱۹	..... ۱۶ - علاقه مشابهت
۱۹	..... تاثیر و اهمیت مجاز مرسل
۲۰ - ۳۵	..... نمونه های مجاز در تاریخ جهانگشا
۳۶	..... پانوشت ها
	..... فصل سوم : تشبیه
۳۸ - ۴۰	..... مفاهیم و تعاریف کلی
۴۰	..... وجه شبه
۴۰	..... تشبیه مجمل
۴۱	..... تشبیه مفصل

۴۱	تشبیه موکل
۴۱	تشبیه مرسل یا صریح
۴۲	تشبیه بلیغ
۴۲	تشبیه به اعتبار طرفین آن
۴۳	۱- مشبه حسی ، مشبه به حسی
۴۳	۲- مشبه عقلی ، مشبه به حسی
۴۳	۳- مشبه حسی ، مشبه به عقلی
۴۳	۴- مشبه عقلی ، مشبه به عقلی
۴۴	تشبیه خیالی
۴۴	تشبیه وهمی
۴۵	تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن
۴۵	تشبیه مفرد
۴۵	تشبیه مقید
۴۵	تشبیه مرکب
۴۵	فروق مقید و مرکب
۴۶	وجه شبه تحقیقی و تخیلی
۴۶	وجه شبه دوگانه یا صنعت استخدام
۴۷	وجه شبه مفرد و متعدد و مرکب
۴۷	تشبیه تمثیل
۴۸	نتیجه گیری در مورد تشبیه تمثیل
۴۸	زاویه تشبیه
۴۸	تشبیه غریب
۴۸	تشبیه مبتذل
۴۹	اضافه تشبیهی
۴۹	اضافه تلمیحی

۴۹	..... اضافه سمبلیک
۵۰	..... انواع تشبیه به لحاظ شکل
۵۰	..... ۱- تشبیه ملفوف
۵۰	..... ۲- تشبیه مفروق
۵۰	..... ۳- تشبیه تسویه
۵۱	..... ۴- تشبیه جمع
۵۱	..... ۵- تشبیه معکوس یا مقلوب
۵۱	..... ۶- تشبیه مضمّر
۵۲	..... ۷- تشبیه تفضیل
۵۲	..... ۸- تشبیه مشروط
۵۳- ۱۲۰	..... تشبیهات در جهانگشا
۱۲۱- ۱۲۳	..... پانویشت ها
	فصل چهارم: استعاره
۱۲۵	..... تعریف و مفهوم استعاره
۱۲۶- ۱۲۷	..... مفاهیم استعاره از دید قدما و معاصرین در صور خیال کدکنی
۱۲۷	..... قرینه
۱۲۸	..... پایه های استعاره
۱۲۸	..... تقسیم بندی استعاره از حیث ذکر یا حذف دوسوی استعاره
۱۲۸	..... ۱- استعاره مصرّحه (تحقیقی یا حقیقی)
۱۲۸	..... ۲- استعاره مکنّیه (بالکنایه - خیالی)
۱۲۸	..... انواع استعاره مصرّحه
۱۲۸- ۱۲۹	..... ۱- ۱- استعاره مصرّحه مجرد
۱۲۹	..... ۱- ۲- استعاره مصرّحه مرشّحه
۱۲۹- ۱۳۰	..... ۱- ۳- استعاره مصرّحه مطلقه
۱۳۰	..... ۲- استعاره مکنّیه تخیلیّه



۱۳۰	..... استعاره نوع دوم از نظر شکل بردونوع می باشد
۱۳۰	..... ۱- ۲- به صورت اضافه
۱۳۱	..... ۲- ۲- به صورت غیر اضافه
۱۳۱ - ۱۳۲	..... پرسونیفیکاسیون
۱۳۲	..... آنیمیسیم یا جاندار انگاری
۱۳۳	..... آیا اطلاق استعاره بر استعاره نوع دوم صحیح است؟
۱۳۳	..... اقسام استعاره به اعتبار لفظ مستعار بر دو قسم است
۱۳۳	..... الف - استعاره اصلی ( پایه )
۱۳۴	..... ب - استعاره تبعیه ( پیرو )
۱۳۴	..... اقسام استعاره به اعتبار ساختار مستعار
۱۳۴	..... الف - استعاره مفرده
۱۳۴ - ۱۳۵	..... ب - استعاره مرکبه
۱۳۵	..... فرق استعاره مرکب با کنایه
۱۳۵	..... تقسیم استعاره به اعتبار جامع ( وجه شبه )
۱۳۵	..... الف - استعاره عامیه ( مبتذله، قریب، نزدیک، آشنا )
۱۳۵ - ۶	..... ب - استعاره خاصیه ( غریبه، بعید، دور، شگفت )
۱۳۶	..... تقسیم استعاره به اعتبار اجتماع و عدم اجتماع طرفین در شیء واحد
۱۳۶	..... الف - وفاقیه
۱۳۶	..... ب - عنادیه
۱۳۷	..... تفاوت تشبیه و استعاره
۱۳۷ - ۸	..... استعاره، ماه تابان گیتی سخن
۱۳۹ - ۱۸۱	..... نمونه های استعاره در تاریخ جهانگشا
۱۸۲	..... پانویس ها
	..... فصل پنجم : کنایه
۱۸۴	..... کنایه

۱۸۵	.....	فرق کنایه و مجاز
۱۸۶	.....	اقسام کنایه به لحاظ مکنی عنه
۱۸۶-۷	.....	۱- کنایه از موصوف (اسم)
۱۸۷	.....	۲- کنایه از صفت
۱۸۸	.....	۳- کنایه از فعل یا مصدر
۱۸۸	.....	کنایه به لحاظ انتقال معنای مقصود یا قریب است یا بعید
۱۸۹	.....	کنایه به اعتبار وسایط موجود میان مکنی به و مکنی عنه
۱۸۹-۱۹۰	.....	۱- ایماء یا اشاره
۱۹۰-۱	.....	۲- تلویح
۱۹۱-۲	.....	۳- رمز
۱۹۲-۳	.....	۴- تعریض
۱۹۳	.....	کنایه های نوین
۱۹۴	.....	اهمیت کنایه و راز به کارگیری آن در اسلوب بیان
۱۹۵-۲۳۱	.....	کنایات در جهانگشا
۲۳۲	.....	پانوشت ها
		فصل ششم: نتیجه گیری
۲۳۴	.....	نتیجه گیری
۲۳۵	.....	۱- مجاز مرسل
۲۳۵	.....	۲- تشبیه
۲۳۵-۶	.....	۳- استعاره
۲۳۶	.....	۴- کنایه
۲۳۶	.....	توصیه برای تحقیقات بعدی
۲۳۷-۲۴۷	.....	واژه نامه
۲۴۸-۲۴۹	.....	فهرست منابع و مآخذ
۲۵۰	.....	چکیده انگلیسی

## چکیده:

سخنی که در قلمرو ادبیات قرار می‌گیرد، ویژگی‌هایی دارد که آن را از نوشته‌ها و گفته‌های دیگر متمایز می‌کند. توجه به این ویژگی‌ها و بحث از عوامل ایجاد کننده زیبایی و تاثیر در ادبیات، از دیر باز در میان ملل مختلف رواج داشته و به پیدا شدن دانش‌هایی در این زمینه انجامیده است. این دانش‌ها که روشنی، زیبایی و تاثیر کلام را مورد بررسی قرار می‌دهند در فرهنگ اسلامی به علوم بلاغت مشهورند و شامل معانی، بیان، بدیع، قافیه و عروض هستند.

تحقیقی که پیش روی داریم به مقوله بیان توجه دارد که یکی از شیواترین و مخیل‌ترین بحث‌های ادبیات است در علم بیان شناخت قواعد و قوانینی مورد نظر است که به وسیله آنها یک معنی به صورتهای مختلف بیان می‌شود و موضوعهای این علم مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه است. در این کار سعی شده که این چهار مورد، در جلد دوم تاریخ جهانگشا بررسی شود. این کتاب اگر چه کتابی تاریخی و معتبر است با این حال مملو از انواع آرایه‌های ادبی می‌باشد که زیبایی این اثر را دو چندان کرده و بر ماندگاری و دل‌نشینی آن افزوده است.

در این رساله مفهوم هر یک از گونه‌های مهم صور خیال از حیث لغوی و اصطلاحی با ذکر اقسام مختلف هر یک تبیین گردیده و در برخی موارد آراء قداما در این زمینه مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. سپس با مطالعه دقیق تاریخ جهانگشا (جلد دوم) شواهد و نمونه‌های مختلف مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه با تقسیمات لازم درباره هر یک ارائه گردیده است.

تلاش ما بر آن بوده که شگردهای بیانی زبان هنرمندانه و نیز نازک خیالها و ظرافتهای هنری جوینی را خصوصاً در مبحث تشبیهات و استعارات که زیبایی اعجاب برانگیزی دارد در حد توان تبیین نمائیم به این امید که مقبول طبع دوستداران زبان و ادب پارسی قرار گیرد.

فصل اول

مدخل

## مدخل

شرح حال عظاملک جوینی:

«علاء الدوله، عظاملک جوینی (۶۸۱-۶۲۳ هـ ق) فرزند بهاء الدین و برادر خواجه شمس الدین محمد، صاحب دیوان و وزیر شهید بود که پدر و جد و خالش همه از دبیران و کتاب و نویسندگان فاضل شمرده می شد و در خدمت سلاطین می زیسته اند.

عظاملک، مدتی در خدمت امرای مغول به ویژه، امیر ارغون که مدت پانزده سال والی ایران بود، به سر برده و به سمت دبیری استیفا و رسالت و کارپردازی موسوم بوده است و چند سفر به همراه امیر به مغولستان و اردوی خانان در قره قورم رهسپار شده و مدتها در میان مغولان، توقف کرده است.

در سال ۶۵۴ که هولاکو به ایران آمد و پادشاهی این مملکت از سوی منگوقاآن به او سپرده شد. به خدمت هولاکو درآمد و از مقربان دربار گردید و در سال ۶۵۷ از سوی هولاکو، حکومت بغداد به او مفوض گردید و جانشین خلفا شد و در عراق و بغداد و خوزستان فرمانروا گردید و بعد از مرگ هولاکو به نیابت سونچاق آقا، از امرای مغول بسر عراق و بغداد حکومت کرد که مجموعاً مدت حکمرانی او در بغداد نزدیک بیست و چهار سال بوده است.

در آخر او و برادرش شمس الدین در دوران پادشاهی اباقاخان، دچار سعایت و دسیسه مجدالملک یزدی شدند و در این واقعه سختیها و بلاهای سنگین بر آنها رخ نمود و هر چه داشتند به تمامی از بین رفت ولی سرانجام مجدالملک خود در دامی که برای آنها گسترده بود، افتاد و در آن بازی هلاک شد. بعد از مرگ اباقا خان، برادرش، سلطان احمدنکودر به حکومت رسید و عظاملک و برادرش ایمن شدند، اما ارغون، پسر اباقا، به بغداد رفت و باز گریبان عظاملک را به عنوان مطالبه بقایای عهد پدر بگرفت و وی را عذابها داد تا اینکه در سال ۶۷۱ وفات یافت و برادرش، شمس الدین نیز بعد از مرگ احمد نکودر و جلوس ارغون به تهمت اینکه اباقا خان را او زهر داده و کشته است به دست دژخیمان به قتل رسید (۶۸۳ هـ ق) و تمام خانوادش به جز یک پسر که در ابنخاز بود به اتفاق اعضای خانواده عظاملک تمامی به قتل رسیدند.

اگر صد بمانی و گر صد هزار  
همین است روز و همین است کار

عظاملک، علاوه بر ادب دوستی، خود از ادبای عالی مقام زبان فارسی است و تاریخ جهانگشای شاهد عدلی بز وفور فضل و قوت ادب و کثرت ذوق و قریحه اوست.»  
شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، احمد خاتمی، ص ۲۰ و ۲۱

«اثر دیگر عظاملک رساله بیست به فارسی به نام «تسلیه الأخوان» متضمن شرحی از مصیبت‌ها و سختی‌هایی که در سال ۶۸۰ هـ بر اثر سعایت یکی از مخالفانش برایش رخ داد و به حبس او منجر شد. این رساله ذیلی هم دارد که حوادث روزگار خود را تا وفات اباقا و جلوس سلطان احمد نکودر به سال ۶۸۰ هـ شرح داده است. سبک انشاء این دو رساله نیز به سبک جهانگشای است.»

«تاریخ ادبیات ایران، ذبیح‌ا.. صفا، جلد دوم ۲۱۶»

### تاریخ جهانگشا:

«این کتاب به شیوه انشاء و سبک منشیانه قدیم تألیف شده و نخستین کتابی است که لغات مغولی را دوشادوش لغات فارسی و عربی به کار برده است. و در آن علل حقیقی شکست خوارزمشاهیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حمله تاتار و علت‌های واقعی پیشرفت کار چنگیزخان و اتباع خونریز او می‌پردازد و از این حیث منحصر به فرد است و هیچ یک از مورخین به این اندازه در کتبه مسائل تعمق ننموده اند مولف کتاب با آن که درصدد مدح خوانین مغول بوده، بازاز ذکر حقایق تاریخی خودداری نکرده و هر جا که به وقایع عمده برخورد کرده است اصل مطلب را به نگارش آورده و از تملق و مدهانه پرهیز کرده است.»

موازنه، سجع، تجنیس و اشتقاق و استدالات از قرآن و حدیث و شواهد و امثال از شعر فارسی و تازی و تحلیل شعر و تلمیح از آیات قرآنی در سراسر نثر مزبور دیده می‌شود.

کتاب جهانگشا از همان زمان تألیف شهرت یافته و قبول عامه به هم رسانیده تا جایی که اغلب مورخین از معاصرین مؤلف، یا متأخرین از او هم به اسم و رسم از این کتاب نقل مطلب کرده اند و آن را یکی از مأخذ معتبر خود محسوب داشته اند که از آن جمله عبدا... بن فضل ا... شیرازی صاحب تاریخ و صاف (تالیف ۷۲۸-۶۹۹) است که خلاصه ای از تاریخ جهانگشای از آغاز تا انجام را به آخر جلد چهارم خود ملحق ساخته است و دیگر رشیدالدین فضل ا... وزیر غازان و او لجایتو که تقریباً تمام مندرجات آنرا در تاریخ خود، جامع التواریخ (تالیف ۷۱۰ هـ) گنجانده است.»

شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، احمد خاتمی، ص ۲۱

کتاب جهانگشا در سه جلد تألیف شده است:

«جلد اول بعد از دیباچه ای طولانی مشتمل بر فصلی در عادات و رسوم مغول قدیم و فصلی در قوانین وضع شده. چنگیزخان، یعنی یاساست. بعد از آن تاریخ چنگیزخان و خروج وی و فتوحات او در ممالک اویغور را بیان می‌کند و فصلی را به تاریخ اقوام اویغور و آداب و رسوم و معتقدات ایشان اختصاص می‌دهد. پس از آن از فتوحات قشون

چنگیزخان در ماورالنهر و ایران و قتل و کشتار و تخریب آن بلاد و انقراض دولت خوارزمشاهیان و وقایع دیگر تا وفات چنگیزخان (۶۳۹-۶۲۶) و حکایات جودو کرم او سخن می گوید و دوره نیابت سلطنت توراکینا خاتون مادر کیوک خان و سلطنت کیوک خان بن اوکتای قآن می پردازد و بیان تاریخ مختصری از توشی (چوچی) و جغتای دو پسر چنگیزخان، جلد اول را ختم می نماید.

جلد دوم از کتاب جهانگشا، بدون مقدمه به تاریخ خوارزمشاهیان می پردازد و وقایع مربوط به آنها را مفصل بیان می کند و فصلی مفید را به تاریخ ملوک کفار ترک، معروف به ملوک قراختای و گورخانیه، که نزدیک به نود و پنج سال از حدود سال (۵۱۲ تا ۶۰۷) در ماورالنهر ترکستان شرقی از جیحون تا کاشمر و ختن و بلاساغون سلطنت نمودند و دیگر ملوک الطوایف ترک آن نواحی اختصاص می دهد و در اواخر این جلد، تاریخ سرگذشت حکام و شحنگان مغول را که از عهد اوکتای قآن تا ورود هلاکو به ایران (۶۵۳-۶۲۶) حکمرانی نمودند مانند جتتمور و نوسال و گرگوز و امیرارغون را با شرح و بسط تمام ذکر می کند و جلد دوم را به پایان می برد.

جلد سوم با جلوس منگوقاآن بن تولی بن چنگیزخان در سال (۶۴۹) و بعضی وقایع مهم او آغاز می شود و سپس به تفصیل، حرکت هولاکو به ایران سال (۶۵۳) و قلع و قمع اسماعیلیه را شرح می دهد پس با بسط تمام از تاریخ ملوک اسماعیلیه الموت و شرح مذهب این طایفه و سرگذشت احوال ایشان از آغاز ظهور، سخن می راند و جلد سوم را به ذکر آخرین پادشاه این سلسله و انقراض ایشان به دست هلاکو به انجام می رساند (۶۵۵)»

شرح مشکلات جهانگشا، ص ۲۲ و ۲۳

«در مجموع، جهانگشا، کتابی یک دست نیست و از این روی به پایه ترجمه یمینی و مرزبان نامه نمی رسد و به نثر عوفی شبیه است اما صرف نظر از نقایصی که دارد از نثر عوفی عالمانه تر و جزیل تر و محکمتر می باشد. گاهی عبارات سخته و در عین حال سلیس و لطیف دارد و گاه نیز غرق در تکلفات و استعارات و تلمیحات و مراعات النظیر و تجنیس و اشتقاق و اسجاع بارد و ... است.»

شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، ص ۳۵

استاد بهار می نویسد: «به طور خلاصه متن جهانگشای بر سه قسم است، قسمتی به کلی مصنوع و قسمی بالنسبه ساده و قسمی نقل شده از نوشته دیگران، این قسمت اخیر ساده تر از متن خود کتاب است که خود مولف نوشته و به نظر می رسد که جلد دوم احوال خوارزمشاهیان از این مقوله باشد و نقل عبارات دیگران در آن زیاد باشد...»

و چنین به نظر می رسد که جوینی این کتاب را نوبت به نوبت و در احوال مختلف و به سرعت تحریر کرده است گاهی گرم اطنابهاست و گاه از فرط ایجاز و اختصار خواننده را به زحمت می اندازد. اما به طور کلی اطناب و ایراد و مترادفات از لفظ و جمله بر ایجاز غلبه دارد.

### اهمیت موضوع:

یافتن نمونه هایی از انواع مجاز ، تشبیه، استعاره، کنایه، در تاریخ جهانگشا، در بیشتر موارد به درک مفهوم عبارات کمک می کند و خواننده را نسبت به خواندن این کتاب راغب تر و مشتاق تر می کند و ضمناً وجود این آرایه ها نشانگر هنرمندی نویسنده آن و اینکه در نثر هم ( هر چند تاریخی باشد) چون نظم می توان صنایع ادبی را با ظرافت به کاربرد و سخن خود را به صورت شیوا و ملیح ادا کرد و همچنین چون این اثر به صورت مفصل توضیح ندارد و کتابی که شارح آن باشد نوشته نشده ، یافتن این صنایع و توضیح آنها هر چند به طور مختصر می تواند راهگشای برخی از عبارات مشکل این کتاب باشد.

### بخش بندی تحقیق:

این تحقیق شامل چکیده ای مختصر است و در شش بخش تنظیم گردیده است . بخش اول حاوی مدخل و شرح اهمیت این اثر، بخش دوم محتوی مجاز و علاقه های آن و آوردن نمونه هایی از تاریخ جهانگشا، بخش سوم ، شامل تعریف تشبیه و انواع آن و سپس مثالهایی از جهانگشا ارائه می گردد. بخش چهارم ، استعاره و توضیح آن و باز مثالهایی از تاریخ جهانگشا و بخش پنجم: کنایه و انواع آن و کنایات در جهانگشا و بالاخره بخش نهمی شامل نتیجه گیری از پایان نامه و فواید آن و کاربردهایی که این تحقیق می تواند داشته باشد و در نهایت ارائه توصیه هایی برای تحقیقات بیشتر در این مورد و بحث از صنایع دیگری که در این کتاب آورده شده است.



## مقدمه:

تعریف علم بیان<sup>۱</sup>:

« قداما در تعریف فن بیان گفته اند: بیان در لغت به معنی کشف و ایضاح و ظهور است و در اصطلاح، عبارتست از معرفت ایراد معنی واحد به طرق مختلفه به سبب زیادتی و نقصان در وضوح دلالت عقلی بر آن، تا به واسطه وقوف بدان در ترکیب کلام جهت افهام مراد از خطا احتراز کنند<sup>۲</sup>. »

« بیان: ایراد معنای واحد به طرق مختلف است مشروط بر این که اختلاف آن طرق ( شیوه های مختلف گفتار)، مبتنی بر تخییل باشد، یعنی لغات و عبارات به لحاظ خیال انگیزی نسبت به هم متفاوت باشند<sup>۳</sup>. »

« قدرت تخیل، یعنی شور و هیجانی کامل که به کار می افتد تا احساسها و اشیاء و تجربیات مختلف و متعلق به زمانها و مکانهای مختلف را در یک لحظه خاص در کنار هم جمع کند و یا بر روی یکدیگر منطبق نماید و در لحظه ای، زمانی بیکران و در مکانی محدود، سرزمینی پهناور را ارائه دهد. قدرت تخیل، فقط آن قدرت سرکش گریز از مرکز و پراکنده کننده نیست، بلکه قدرتی است جهت تلفیق حالات مختلف و برداشت های گونه گونه از ادراک انسان از طبیعت، تخیل، مستقیماً از حافظه توشه می گیرد، گاهی تداوم زمانی حافظه را حفظ می کند، و زمانی همه چیز را در هم می ریزد تا قسمتهایی از حافظه را بکند و به وسیله تصاویر آنها را کنار هم قرار دهد و یک حلقه فکری و عاطفی ایجاد نماید.

تخیل پلی است بین اندیشه مطلق و روح از یک سو، و حس و احساس از سوی دیگر و به همین دلیل سر و کارش هم با جلوه های عینی است و هم با تظاهرات ذهنی، این را هم در نظر بگیریم که تخیل گرچه به قول « ارسطو<sup>۴</sup> » همیشه براساس استعاره کار می کند ولی در تصویر پردازی از وسایل دیگری نیز استفاده می کند<sup>۵</sup>. »

« تصویر یا خیال شاعرانه پیوندی میان انسان و محیط او ایجاد می کند و شاعر در آفریدن تصویرهای خیال انگیز با تبدیل اشیاء به صورتهای عاطفی و انسانی، کلام خود را از حالت عادی فراتر می برد و عواطف خواننده را بر می انگیزد و شناختی تازه تر از اشیاء و امور به او می دهد در ادبیات فارسی و عربی از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه که از عوامل مهم خیال انگیزی شعرند در علم بیان بحث می شود<sup>۶</sup>. »

«علم بیان شیوه ادای موضوع و معنی به اسلوب های مختلف است و تشبیه بی گمان در رأس این اسالیب قرار می گیرد و شاید تشبیه روشن ترین و آشکار ترین این مباحث باشد».<sup>۷</sup>

« پایگاه بیان در آفرینش انسان تا بدانجا است که خدا در قرآن کریم فرموده « خلق الانسان علمه البيان» و در حدیث آمده است « ان من البيان لسحرا» و این علم و هم علم معانی همه به فصاحت و بلاغت بر می گردد و در خدمت سخنرانی و گویائی است».<sup>۸</sup>

« دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن آدمی را با چهره های گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می سازد».<sup>۹</sup>

معانی دیگر بیان : فصاحت ، زبان آوری ، سخن شیوا و رسا، شیوا سخن گفتن توأم با ذکاوت است.  
بین به معنی فصیح و آیین اسم تفضیل از بیان به معنی متکلم شیوا ، رسا سخن به کار رفته است.

### ضرورت آشنایی با فن بیان :

آشنایی با صور خیال (مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه) باعث راه یافتن به دنیای خیال-انگیز شاعر و نویسنده می شود و آگاهی از این صنایع، ملال انگیزی اثر را از بین می برد و لذتی وافر و شیرین به ما می دهد که به راحتی می توانیم در باغ سرسبز سخنان با خیالی آسوده به گشت و گذار پردازیم و از نفعات فرح بخش سخنان نغز و شیوا سرمست گشته و لذتی روحانی نصیب ما گردد و پیش از پیش به ارزش والای مطالب ادبی و نویسنده آنها واقف شویم.

## پا نوشت ها :

- ۱- بان - بین بیان ( تیان ) مصدر ثلاثی مجرد به معنی توضیح و آشکارایی و کشف است ریشه اصلی آن " بین " به معنی جدا کردن و اختلاف و دوری است. لسان العرب ، ابن منظور ج / ۱۳ ( صص ۶۷ - ۶۹ )
- ۲- بیان در شعر فارسی ، ثروتیان ، بهروز ، ص ۲۳
- ۳- بیان و معانی ، شمیسا ، سیروس ، ص ۱۳
- ۴- فن شعر
- ۵- طلا در مس ( در شعر و شاعری ) ، براهنی ، رضا ، ص ۱۳۷
- ۶- فنون ادبی ، احمد نژاد ، کامل ، ص ۸۵
- ۷- صور خیال در شعر فارسی ، شفیعی کدکنی ، محمد رضا ، ص ۴۱
- ۸- معانی و بیان ، تجلیل ، جلیل ، ص ۴۶
- ۹- معانی و بیان ، تجلیل ، جلیل ، ص ۴۵

فصل دوم

مجاز